

جلوه های دادرسی افتراقی قاچاق کالا و ارز در پرتو سیاست های کلی نظام

دکتر محسن رحمانی فرد^۱

چکیده

همان گونه که اقتصاد به سرعت در حال جهانی شدن است؛ جرایم اقتصادی نیز در حال دگرگونی و تغییر است و ویژگی اصلی جرایم اقتصادی تغییرات سریعی است که در آن صورت می گیرد. بزه قاچاق کالا و ارز نیز به عنوان مصداقی از جرایم اقتصادی، دارای خصایص ویژه‌ای است که این امر آن را از دیگر بزه‌ها متمایز و ضرورت اتخاذ دادرسی افتراقی در قبال آن را ایجاب می‌نماید. در خصوص جرایم قاچاق کالا، سیاست جنایی تقنینی از یک آیین دادرسی ویژه و خاص تبعیت کرده که با قواعد آیین دادرسی کیفری خیلی از جرایم دیگر متفاوت است. تفاوت‌ها را می‌توان در واگذاری صلاحیت رسیدگی آن به دستگاه های اختصاصی، عدول از اصل برائت، لزوم سرعت در فرآیند رسیدگی، وجود مقررات خاص در مورد قرارهای تأمین و غیره ملاحظه کرد. از سوی دیگر، اسناد بالادستی من جمله سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در این خصوص مقررات و ضوابطی را مقرر نموده است. در مقاله حاضر به بررسی این جلوه های افتراقی در پرتو و تعامل با سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد.

کلید واژه ها: قاچاق کالا و ارز، جرایم اقتصادی، دادرسی افتراقی، اصل برائت، سیاست های کلی نظام

^۱ - دکترای حقوق جزا و جرم شناسی-بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب اصفهان mohsenrahmanifard@gmail.com

به موجب ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «قاچاق کالا و ارز از مصادیق جرایم اقتصادی^۱ محسوب می‌شود». همین ویژگی در بند ب ماده ۱۰۹ و تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح شده است. یکی از امکانات مهم مورد نیاز جهت مبارزه موثر با جرایم اقتصادی من جمله قاچاق کالا و ارز، وجود آیین دادرسی می باشد. حسب ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می شود.»

رسیدگی به امور کیفری تابع یک سلسله اصول و قواعدی است که اجرای دقیق و صحیح آنها در جهت مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن نقش عمده ای را ایفا می نماید. از این رو ضروری است که چگونگی این اصول و قواعد بر اساس مصالح اجتماعی و فردی و همچنین به موازات پیشرفت و تحول قوانین جزایی ماهوی و متناسب با مقتضیات سیاست جنایی روز تدوین و تصویب شود (خزانی، ۱۳۶۵، ۷۰). با عنایت به ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی، مبارزه مؤثر با این جرایم مستلزم وجود یک سیاست جنایی «سازمان‌یافته^۲»، «مستقل^۳» و «افتراقی^۴» است. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۲، ۲۱۳). این مهم در نظام حقوقی بیشتر کشورها تابع تشریفات خاصی گردیده است (Bacigaloupe, Enrique, 2001,131)

با توجه به سیاست کیفری توأم با سختگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون‌گذار تدابیری را در راستای دسترسی به متهم و از همه مهم تر اجرای حکم و خصوصاً وصول جزای نقدی پیش بینی نموده است. که برخی از این اقدامات و تدابیر در تعارض با اصول و ضوابط مقرر در اسناد بالادستی من جمله قانون اساسی و سیاست های کلی نظام است. به عنوان نمونه تقابل با اصل برائت از ویژگی های برخی از این تدابیر است. در ادامه مهم ترین جلوه های دادرسی افتراقی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

^۱ - در مقررات قانونی ایران جرم اقتصادی تعریف نشده است. اما وفق یک تعریف: «جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه ای اطلاق می شود که با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی، در بستر نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، حمل و نقل و مصرف) و علیه آن ارتکاب می یابد و در نتیجه موجب اخلال در چرخه نظام و فعالیت های اقتصادی می شود.» (مهدوی پور، ۱۳۹۵، ۳۹).

^۲ - organized

^۳ - independent

^۴ - differential

۱- مراجع پاسخ دهی

ویژگی های خاص جرایم و مجرمان اقتصادی، حساسیت افکار عمومی و آثار زیانبار این جرایم به حدی است که دولت‌ها سعی دارند نهادهای قضایی و دادگاه های کیفری و قضات و ضابطین متخصص و دوره دیده ای را برای رسیدگی به این جرایم اختصاص دهند. از همین رو اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون مریدا ضرورت تشکیل مراجع تخصصی را برای رسیدگی به این جرایم کشورها خاطر نشان ساخته است.^۱

با در نظر گرفتن این مباحث و با توجه به قوانین و مقررات فعلی در نظام حقوقی ایران علیرغم اینکه برابر اصول ۱۵۶ به بعد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲، مرجع رسمی شکایات و تظلمات دادگستری است و قوه قضاییه به عنوان بخش کاملاً مستقلی از دستگاه حاکمه کشور وظیفه اجرای عدالت و تعقیب جرایم را عهده دار می باشد. با نگاهی به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ معلوم می شود که سیاستگذار کیفری ایران قاچاق کالا را با لحاظ نوع و ماهیت کالا و کیفیت قاچاق به دو دسته اصلی تخلفات اقتصادی و جرایم قاچاق کالا تقسیم بندی نموده است. رسیدگی به جرایم قاچاق کالا در صلاحیت مراجع قضایی و رسیدگی به سایر تخلفات با توسل به سیاست جرم زدایی و قضازدایی با تغییر ماهیت برخی از مصادیق قاچاق کالا از جرم کیفری به تخلف اقتصادی و اکتفا به جریمه نقدی کیفری اداری به عنوان مناسب ترین پاسخ کیفری و حذف سایر مجازات‌ها شامل حبس، شلاق و انفصال از سیاهه مجازات‌های سابق، رسیدگی و اتخاذ تصمیم ماهوی در خصوص اینگونه تخلفات را در صلاحیت مراجع غیر قضایی شامل تعزیرات حکومتی و سازمان های کاشف قرار داده است.

با ملاحظه مقررات سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران چهار ویژگی عمده در رابطه با مراجع رسیدگی به پرونده های قضایی قابل ذکر است:

الف- استفاده از تعدد قضات در پرونده های مهم (موضوع بند ۳ سیاست‌های کلی قضایی مصوب

(۱۳۸۱/۷/۲۸)

^۱ - ماده ۳۶ کنوانسیون مقرر می دارد: "هر کشور عضو، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود، وجود نهاد یا نهادها یا افراد متخصص در مبارزه با فساد از طریق اجرای قانون را تضمین خواهد نمود. طبق اصول اساسی نظام کشور به عضو چنین نهاد یا نهادها یا افرادی، استقلال لازم اعطاء خواهد شد تا بتوانند به نحو مؤثر و بدون نفوذ نامعقول، وظایف خود را انجام دهند. چنین افراد یا کارکنان چنین نهاد یا نهادهایی باید از آموزش و منابع مناسب برخوردار باشند تا بتوانند وظایف خود را انجام دهند."

^۲ - اصل صد و پنجاه و ششم (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین."

در راستای این سیاست ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: دادگاه انقلاب " ... برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون^۱ دارای رئیس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرسی علی البدل یا یک مستشار تشکیل می شود."

باید متذکر شد رسیدگی اولیه در شعب تعزیرات حکومتی، با تعدد قاضی صورت نمی گیرد اما می توان اینگونه پاسخ داد با توجه به صلاحیت این شعب در خصوص تخلفات اقتصادی که معمولاً از درجه اهمیت کمتری نسبت به جرایم اقتصادی برخوردار هستند؛ نیازی به رسیدگی با تعدد قضات وجود ندارد و رسیدگی سریع به اینگونه جرایم موثرتر می باشد.

ب- تخصصی کردن رسیدگی ها (موضوع بند ۴ سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و بند ۹ سیاست های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱ و بند ۴ سیاست های کلی امنیت اقتصادی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۳)

قانونگذار جهت رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز در کنار شعبه تعزیرات حکومتی، شعب دادگاه انقلاب را صالح به رسیدگی دانسته است. به نظر می رسد با توجه به اصل صلاحیت رسیدگی دادگاه های عمومی و مقررات قانون اساسی بهتر بود به این بزه نیز در دادگاه عمومی رسیدگی می شد. سیاست های کلی نظام نیز از تخصصی کردن رسیدگی ها نام برده است نه اختصاصی کردن آنها. رسیدگی تخصصی در دادگاه های عمومی همسو با سیاست های کلی نظام و قانون اساسی است و شائبه تضییع حقوق متهمان نمی رود.

پ- تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضاییه (موضوع بند ۵ سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و بند ۲ سیاست های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱)

با توجه به اصول ۱۵۶ به بعد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ مرجع رسمی شکایات و تظلمات دادگستری است و قوه قضاییه به عنوان بخش کاملاً مستقل از دستگاه حاکمه کشور وظیفه اجرای عدالت و تعقیب جرایم را عهده دار می باشد.

^۱ - ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری: "به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود: الف - جرایم موجب مجازات سلب حیات ب - جرایم موجب حبس ابد پ - جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن ت - جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر ث - جرایم سیاسی و مطبوعاتی"

^۲ - اصل صد و پنجاه و ششم (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای

به همین دلیل در جریان بررسی سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در مجمع تشخیص مصلحت نظام و در بررسی سیاست‌های مربوط به امنیت قضایی و تمرکز کلیه امور با ماهیت قضایی در قوه قضائیه، سخن از برچیدن تشکیلات تعزیرات حکومتی مطرح گردید.^۱

اما به نظر با توجه به اینکه اولاً وفق بند ۱ سیاست‌های کلی قضایی باید سرعت و دقت در رسیدگی‌ها مورد توجه قرار گیرد که این امر در شعب تعزیرات حکومتی بهتر قابل تحقق است و ثانیاً بند ۵ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱ به استفاده بهینه از ظرفیت وزارت دادگستری تأکید کرده است. لذا رسیدگی در شعب تعزیرات حکومتی می‌تواند همسو با سیاست‌های کلی نظام قرار گیرد.

ت- کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب (موضوع بند ۲ سیاست

های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱)

کاستن از مراحل رسیدگی و یک مرحله ای کردن دادرسی، در رأس سیاست کلی قضایی کشور قرار گرفته است. لیکن اصل رسیدگی تجدیدنظر مورد پذیرش مقنن قرار گرفت.^۲

شاید علت این موضع قانونگذار، واقعیت علمی و تخصصی قضایی است که به مراجع قضایی جهت رسیدگی ارجاع می‌گردد. پیشینه تاریخی قانونگذاری نیز موید این امر است چرا که از تغییرات مهمی که با انگیزه احتراز از تطویل دادرسی در امور کیفری به عمل آمد حذف دادرسی و تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب بود. اجرای قانون مزبور تجربه ناموفقی بود که نه تنها در کاهش حجم پرونده‌های قضایی نقشه موثر ایفا نکرد؛ بلکه تمرکز وظایف قاضی ایستاده و قاضی نشسته در شخص واحد ثمری جز بی دقتی و عدم تعمیق در قضایای مورد اختلاف نداشت. و علیرغم تلاش بی وقفه و قضات زحمتکش در بسیاری موارد آرای صادره فاقد کیفیت حقوقی و قضایی مورد انتظار بود.

اما رسیدگی در نهادهای شبه قضایی من جمله سازمان تعزیرات حکومتی، با توجه به تخصصی بودن آن، در شعبه و بدون رسیدگی اولیه در دادرسی صورت می‌گیرد و از این جهت با سیاست‌های کلی نظام همسو می‌باشد.

قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.^۱

^۱ - <http://wiki.ahlolbait.com> ذیل مدخل سازمان تعزیرات حکومتی

^۲ - ماده ۴۲۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف - جرایم تعزیری درجه هشت باشد. ب - جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.»

۲- عدول از اصل براءت

اصل براءت یکی از اصول تضمین کننده حقوق آزادی های فردی است که مطابق آن هر کس بیگناه فرض می شود، مگر اینکه ارتکاب جرمی توسط او به اثبات برسد. فرض بی گناهی بدین معنی است که مجموعه اجزای یک نظام قضایی، اداری و اجتماعی جهت حاکمیت بخشیدن به اصل مصونیت افراد از هر نوع تعرضی، تلاشی هماهنگ و سازگار داشته باشند. در چنین فرضی است که روح حاکم بر جهت گیری ها و عملکردهای واقعی اجزای یک سیستم اجتماعی و حقوقی، عینیت بخشیدن به فرض بی گناهی مظنون یا متهم است مگر آن که یک حکم قطعی و لازم الاجرائی که بر اساس ضوابط دقیق قانونی علیه فرد صادر شده است جایگزین اصل براءت گردد (شاملو، ۱۳۸۳، ۲۸۰).

در اسناد بین المللی، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کس به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن تضمین های لازم برای دفاع از او تأمین شده باشد و تقصیر او قانوناً محرز گردد.» همچنین بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که به امضای دولت و به تصویب مجلس ایران نیز رسیده است و بر طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است مقرر می دارد: «هر کس متهم به جرمی شود، تا زمانی که بزهکاری او مطابق قانون به اثبات برسد، بی گناه فرض می شود.»

مضمون این اصل در بند ۱ قسمت ب ماده ۴۰ کنوانسیون اروپایی حقوق کودک (۱۹۸۹)، ماده ۱۷ قواعد سازمان ملل برای صغار محروم از آزادی (۱۹۹۱) و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) مورد استفاده قرار گرفته است.

اصل براءت در بند ۶ از قسمت امور حقوقی و قضایی ذیل عنوان دسته بندی عناوین و موضوعات سیاست های کلی نظام، به صراحت، مورد تأکید قرار گرفته است. با ملاحظه کلیه این سیاست ها مشخص می گردد که عدول از اصل پذیرفته نشده است. شاید بتوان علت را اینگونه بیان کرد که در همه نظام های حقوقی، اصل بر براءت است و موارد عدول از آن استثنایی است. لذا با توجه به جایگاه سیاست های کلی نظام در قوانین و مقررات جاری کشور بدیهی است که به اصل پرداخته شود و موارد عدول از آن، در صورت لزوم، در قوانین عادی پیش بینی شود.

طبق اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.

اما با این وجود در برخی از موارد قانون گذار با اولویت قائل شدن به اصل مجرمیت، بار اثبات بی گناهی را بر عهده متهم قرار داده است. به عبارتی دیگر، قانونگذار، بنا به جهاتی، از اصل براءت عدول نموده است. موارد عدول از اصل براءت کم و بیش در حقوق کشورهای مختلف، حتی کشورهایی که این اصل را به عنوان اصل اساسی حاکم

بر حقوق جزا می‌دانند، وجود دارد. این موارد عمدتاً در جاهایی بیشتر مطرح می‌شود که اولاً، ارتکاب جرم موجب صدمه‌ای شدید به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد، و ثانیاً، اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی امکان‌پذیر نباشد. در چنین مواردی برای اینکه مجرمان واقعی از اعمال عدالت نگریزند، اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌گردد (شمس ناتری، ۱۳۸۳، ۲۹۳).

در جرایم اقتصادی، که به منافع مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده یا به خطر می‌اندازند (Tiedeman, Klaus, 1976, 2)، از نظر مبنایی علت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است؛ زیرا اصل برائت کیفری در مواردی که شخص مظنون به ارتکاب جرم است مبتنی بر استصحاب عدم ارتکاب جرم و برائت سابق است. مثال در مورد درآمدهای مشکوک، قاضی پرونده نسبت به برائت سابق متهم شک می‌کند که در نتیجه با جریان استصحاب برائت سابق بی‌گناهی وی استمرار می‌یابد. حال در صورتی که درآمدهای یاد شده و اوضاع و احوال موجود در روابط و ارتباطات متهم با مجرمان و به ویژه مرتکبان جرایم سازمان یافته یا هر شخص دیگری که می‌تواند به نوعی درآمدهای نامشروع را نصیب وی سازد، موجب ظن بسیار قوی یا اطمینان قاضی نسبت به نامشروع بودن این اموال و درآمدها گردد، دیگر استصحاب از جایگاهی برخوردار نبوده و این اماره که در حکم دلیل است بر برائت ناشی از استصحاب است مقدم خواهد بود (شمس ناتری، پیشین، ۲۹۶).

معکوس شدن بار اثبات دلیل محصول برهم خوردن توازن بین اصل رعایت حقوق و آزادی‌های اشخاص و سیاست تسهیل اثبات جرم به نفع این سیاست اخیر است. در شرایط معمولی و جرم‌های عادی، این توازن به نفع حقوق و آزادی‌های فردی و در شرایط غیر عادی مانند جرم‌های جهانی، این معادله به ضرر حقوق و آزادی‌های فردی به هم می‌خورد (تدین، ۱۳۹۰، ۲۳۵).

کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در بند ۷ از ماده ۱۲ به مصادره و ضبط درآمدهای حاصل از جرم و اموال به کار رفته در ارتکاب آن اختصاص یافته است. "تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت" را در رسیدگی به جرایم مذکور پیش بینی نموده است. این مقررہ بیان می‌دارد: "دولت‌های عضو می‌توانند امکان ملزم نمودن مجرم به اثبات قانونی بودن منشأ عوایدی که گمان می‌رود حاصل جرم باشند یا سایر اموال در معرض مصادره، تا حدی که مطابق با اصول کلی حقوق داخلی و نیز ماهیت دادرسی قضایی یا سایر اجرائیات باشد، را مد نظر قرار دهند."

با تعمق در مجموع مقررات مربوط به قاچاق کالا و ارز هر چند نص صریحی وجود ندارد، اما نشانه‌هایی از تبعیت قانونگذار از حاکمیت اماره مجرمیت را در موارد متعددی از مدلول مقررات یاد شده می‌توان استنباط کرد. از جمله، وفق ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هنگام کشف قاچاق، ضابطین مکلفند اموال مکشوفه و وسایل حمل

کالا و یا ارز قاچاق یا محل نگهداری و اختفای آن را مطابق این قانون^۱ حسب مورد توقیف و پلمب کنند. همچنین طبق ماده ۴۸ همان قانون، در پرونده‌های قاچاق کالای ممنوع، سازمان یافته، حرفه ای و یا پرونده‌هایی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است، مرجع رسیدگی مکلف است نسبت به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی از طرق مقتضی، از جمله استعلام از ادارات ثبت اسناد و املاک، مخبرات، بانک‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام نماید. این اقدامات هنگام کشف بزه و قبل از اثبات آن، به نوعی تقدم اماره مجرمیت محسوب می‌گردد.

۳- سرعت در رسیدگی

به موجب ماده ۴۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدیدنظر آن‌ها ظرف یک ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگی و رأی نهایی را صادر کنند، مگر مواردی که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگی‌کننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه می‌گردد.» تکالیف حسب مورد متوجه شعب دادیاری و بازپرسی دادسرا، دادستان (در صورت انجام تحقیقات مقدماتی توسط شخص او)، شعب دادگاه‌های انقلاب، تجدیدنظر استان و شعب بدوی و تجدیدنظر قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی می‌شود. این ماده متضمن دو تکلیف می‌باشد: تکلیف نخست ناظر به رسیدگی و صدور رأی در مهلت یک ماه می‌باشد. در این ماده منظور از صدور رأی نهایی، صدور دستور مقتضی نهایی در همان مرحله از دادرسی می‌باشد. تکلیف دوم ناظر به مواردی است که در مهلت مذکور امکان صدور رأی فراهم نشود که در این صورت مرجع رسیدگی‌کننده مکلف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش نماید. عدم ارسال گزارش موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه^۲ می‌گردد.

جهت موفقیت در رسیدگی سریع، قانونگذار تمهیداتی را اندیشیده است. من جمله، به موجب ماده ۴۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «شعبه رسیدگی‌کننده ضمن ارسال رونوشتی از مدارک پرونده به گمرک یا سایر سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت حسب مورد، در مورد تعیین ارزش کالا و یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی برای احراز جرم قاچاق استعلام می‌نماید. ... سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام، پاسخ آن را ارسال ... نماید. ...» در راستای تسریع در رسیدگی سازمان مأمور وصول

۱ - در مواد ۲۰، تبصره ۵ ماده ۲۲ و ماده ۲۳ به ضوابط توقیف وسایل نقلیه حامل کالای قاچاق و پلمب محل نگهداری کالای قاچاق پرداخته شده است.

۲ - به موجب ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات، مجازات‌های «توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی»، «توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی» و «کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه» پیش‌بینی شده است.

درآمدهای دولت مکلف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام نسبت به پاسخگویی آن اقدام نماید. عدم اقدام به پاسخگویی در مهلت ده روزه بدون عذر موجه تخلف محسوب و می‌تواند موجب محکومیت متخلف از حیث تخلف اداری شود. لیکن قانون‌گذار به این امر اکتفاء ننموده و در ماده ۷۴ عدم پاسخگویی به استعلام صورت گرفته توسط مراجع رسیدگی کننده (اعم از مراجع قضایی و شعب تعزیرات حکومتی) را در صورت عدم پاسخ در ظرف بیست روز را واجد جنبه کیفری نیز دانسته است. «مسئولان مستقیم دستگاه‌های کاشف و مأمور وصول درآمدهای دولت و سایر مراجعی که برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق موضوع این قانون مورد خطاب کتبی مرجع رسیدگی کننده و یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت قرار می‌گیرند، چنانچه ظرف بیست روز از تاریخ وصول استعلام نسبت به پاسخگویی مستند اقدام نمایند، به مجازات منع اشتغال در شغل خود در نوبت اول و انفسال موقت تا شش ماه از خدمات دولتی در نوبت‌های بعدی محکوم می‌گردند، مگر این‌که اثبات نمایند عدم ارسال پاسخ، مستند به عذر موجه قانونی بوده است. رسیدگی به این امر در صلاحیت محاکم کیفری دادگستری مراکز استان‌ها می‌باشد.»

در این راستا مواد ۲۰ و ۲۱ آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاف گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷/۸/۲۳ ریاست محترم قوه قضاییه، قابل ذکر است. وفق مواد مذکور؛ بازپرس مکلف است حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ ارجاع پرونده نسبت به تکمیل تحقیقات و اظهارنظر نهایی اقدام کند در غیر این صورت باید مراتب را با ذکر دلیل و به طور کتبی از طریق دادستان مربوط، به معاون اول قوه قضاییه اعلام کند. و دادستان نیز مکلف است ظرف مدت ۲۴ ساعت نسبت به اظهارنظر در مورد قرار نهایی بازپرس اقدام کند و در صورت موافقت یا قرار جلب به دادرسی ظرف همین مدت اقدام به صدور کیفرخواست نماید.

تمهید دیگری که می‌تواند در سرعت بخشیدن به رسیدگی موثر باشد، رسیدگی تخصصی به بزه قاچاق کالا و ارز است. در این راستا، به موجب ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «قوه قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی حسب مورد، موظفند به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز اقدامات زیر را به عمل آورند: الف - اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز توسط رییس قوه قضاییه ب - اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران توسط سازمان تعزیرات حکومتی ...»

بر این اساس در حالی که قانون‌گذار با عدول از صلاحیت مراجع عمومی، صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را در صلاحیت مراجع اختصاصی (دادگاه انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی) دانسته است، علاوه بر این تشکیل شعب تخصصی را نیز ضروری دانسته است. در حالی که قانون‌گذار در بند ب ماده ۱۱ به اختصاص شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه اشاره کرده است، این امر در بند الف به نحو مطلق اشاره شده است و می‌توان آن را ناظر به اختصاص شعب دادرسی و بازپرسی ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، اختصاص شعب تخصصی از شعب

دادگاه‌های انقلاب در مرحله بدوی و اختصاص شعب تخصصی دادگاه تجدیدنظر استان در رسیدگی مرحله تجدیدنظر دانست.^۱

لازم به ذکر است، برخی دیگر از تمهیدات مرتبط با اصل لزوم سرعت در رسیدگی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عبارتند از: عدول از صلاحیت ذاتی (قسمت انتهایی ماده ۴۴)، استثناء صریح پرونده‌های قاچاق از اعمال تکلیف موضوع ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی (تبصره ماده ۴۴)، تکلیف شعب تعزیرات حکومتی به پذیرش قرار عدم صلاحیت صادره از مراجع قضایی (تبصره ماده ۴۴)، اعطای اختیار مراجع قضایی به شعب ویژه تعزیرات حکومتی (ماده ۴۶)، تکلیف مرجع رسیدگی کننده به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی (ماده ۴۸) و عدم امکان پذیرش اعتراض و رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی و دیوان عدالت اداری (تبصره ۲ ماده ۵۰).^۲

مقررات و قواعد وضع شده در خصوص سرعت در رسیدگی، در مورد بزه قاچاق کالا و ارز، در راستای سیاست های کلی نظام قرار دارد. به موجب بند یک سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری اصلاح ساختار نظام قضایی جهت تضمین عدالت همراه با سرعت و دقت مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین تخصصی کردن رسیدگی ها در بند ۴ سیاست های مذکور و بند ۹ سیاست های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱ مقام معظم رهبری مورد اشاره قرار گرفته است. بند ۴ سیاست های کلی امنیت اقتصادی به صورت خاص به تخصصی کردن رسیدگی ها در جرایم و مسائل اقتصادی تأکید نموده است و مقرر داشته: "نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن تر و تخصصی باشد."

۴- شناسایی و توقیف اموال

تدبیر مهم و قابل ملاحظه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با توجه به محوریت کیفیهای مالی شناسایی و توقیف اموال می باشد. این اموال شامل کالا و ارز مورد قاچاق، وسیله نقلیه حامل قاچاق، محل نگهداری کالای قاچاق و شناسایی و توقیف سایر اموال متهم می گردد.

^۱ - در راستای ایجاد شعب تخصصی، رییس محترم قوه قضاییه به موجب بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۹۱۱۵/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۹ اختیار اختصاص شعب ویژه رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز را به رؤسای کل دادگستری استانها تفویض نمود. «در اجرای بند الف ماده ۱۱ و تبصره ۱ ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ بدین وسیله به رؤسای محترم کل دادگستری استانها تفویض اختیار می شود، با بررسی وضعیت خاص استان و لحاظ صلاحیت و تجارب قضات نسبت به تعیین و یا اختصاص شعبه یا شعبی از دادگاهها برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز و صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس اقدام نمایند.»

^۲ - صفاری، علی و سیدعبدالمجید اجتهادی، سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت محور، پیشین، ۲۰ و ۲۱ .

بر اساس ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «به استثنای موارد منطبق با ماده (۲۱) این قانون، هنگام کشف قاچاق، ضابطین مکلفند اموال مکشوفه و وسایل حمل کالا و یا ارز قاچاق یا محل نگهداری و اختفای آن را مطابق این قانون حسب مورد توقیف و پلمب کنند و صورت جلسه کشف را با ذکر دقیق مشخصات کالا و یا ارز قاچاق، مالک و حاملان آن‌ها تنظیم نمایند و به امضای متهم یا متهمان برسانند و در صورت استنکاف، مراتب را در صورت جلسه کشف قید کنند. ضابطین مکلفند بلافاصله و در صورت عدم دسترسی ظرف بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری، ضمن تحت نظر قرار دادن متهم، پرونده تنظیمی را نزد مرجع صالح ارسال نمایند.»

استثنای موارد منطبق با ماده ۲۱ در صدر این ماده از آن‌رو است که هر چند در این موارد نیز کالا توقیف می‌شود و لیکن خود دستگاه کاشف با تنظیم صورت جلسه آن را به نفع دولت ضبط می‌نماید. به موجب ماده ۴۱ ضابطین اقدام به توقیف کالا و ارز موضوع اتهام و وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل آن می‌نمایند و محل نگهداری کالا و یا ارز موضوع اتهام نیز پلمب می‌شود. «دستگاه‌های کاشف و ضابطین موظفند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیرمنقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی، دریایی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف می‌شوند، به استثنای کالای ممنوع و وسایل نقلیه موضوع ماده (۵۶)^۱ این قانون، همراه با رونوشت صورت جلسه کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا، بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نمایند. ...» (ماده ۵۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

تبصره ۱ ماده ۵۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که کالای قاچاق مکشوفه بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهول‌المالک باشد، عین کالای مزبور به نهاد مأذون از سوی ولی فقیه تحویل می‌شود و یا با هماهنگی و اخذ مجوز فروش از نهاد مأذون کالای مزبور توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی به فروش می‌رسد و وجوه حاصل از آن به حساب نهاد مأذون از سوی ولی فقیه واریز می‌شود.»

در خصوص ارز و فرآورده‌های نفتی مطابق تبصره ۳ ماده ۵۳ عمل می‌شود. «شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی موظف است فرآورده‌های نفتی قاچاق مکشوفه را از دستگاه کاشف تحویل بگیرد و پس از فروش آن وجه حاصله را به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.» با توجه به اینکه در این تبصره به تحویل فرآورده نفتی توسط دستگاه کاشف به شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اشاره می‌کند، نشان می‌دهد که تبصره ناظر به مرحله کشف می‌باشد و لیکن با وجود عدم صدور حکم قطعی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی می‌تواند، اقدام به فروش آن نماید.

در خصوص ارز نیز «دستگاه کاشف مکلف است ارز مکشوفه به ظن قاچاق را به حساب تعیین شده از سوی بانک مرکزی واریز نماید و پس از قطعیت حکم آن را به حساب ویژه خزانه‌داری کل کشور واریز کند. در صورتی که

^۱ - در ماده ۵۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بصورت مشخص بحثی در خصوص وسایل نقلیه وجود ندارد و به نظر می‌رسد که منظور وسایل نقلیه موضوع ماده ۵۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بوده است؛ چرا که وسایل نقلیه موضوع ماده ۵۹ به نفع دستگاه کاشف ضبط می‌شود و از این‌رو ضرورتی به تحویل آنها به سازمان اموال تملیکی وجود ندارد.

وجوه موضوع این تبصره از مصادیق قید شده در تبصره (۱) این ماده باشد، مطابق تبصره مذکور اقدام می‌شود.»
(تبصره ۴ ماده ۵۳)

«سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی موظف است در مورد کالاهای سریع‌الفساد، سریع‌الاشتعال، احشام و طیور و یا کالاهایی که مرور زمان سبب ایجاد تغییرات کمی و کیفی در آنها می‌شود، پس از اخذ مجوز فروش از مرجع رسیدگی‌کننده، بلافاصله کالا را بر اساس مقررات مربوط به فروش برساند.» (تبصره ۲ ماده ۵۳)

یکی از تدابیری که قانون‌گذار در راستای سیاست کیفری سختگیرانه در مواجهه با قاچاق کالا و ارز اتخاذ نموده است، ضبط وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل قاچاق کالا است. به موجب ماده ۲۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل قاچاق کالای موضوع ماده (۱۸)^۱ این قانون، اعم از زمینی، دریایی و هوایی به شرح زیر ضبط می‌گردد:

الف - وسایل نقلیه سبک در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

ب - وسایل نقلیه نیمه سنگین زمینی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه سیصد میلیون (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

پ - وسایل نقلیه نیمه سنگین هوایی و دریایی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه نهصد میلیون (۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

ت - وسایل نقلیه سنگین زمینی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

ث - وسایل نقلیه سنگین هوایی و دریایی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه سه میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.»

در مواردی که وسایل نقلیه می‌بایست به نفع دولت ضبط گردد، بدیهی که این وسایل توقیف شده و در صورت صدور حکم محکومیت به نفع دولت ضبط گردد. لیکن در مواردی که وسایل نقلیه مشمول حکم ضبط نمی‌شود تبصره ۱ ماده مقرر می‌دارد: «در غیر از موارد فوق وسیله نقلیه توقیف می‌شود و در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، جریمه نقدی مورد حکم را نپردازد از محل فروش وسیله نقلیه برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌گردد. در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع نماید از

^۱ - ظاهر ماده بر این است که قاچاق ارز مشمول مقررات این ماده نمی‌شود.

وسیله نقلیه رفع توقیف می‌شود.» در این خصوص وثیقه معادل حداکثر جزای نقدی نه از بابت صدور قرار تأمین از نوع وثیقه، بلکه به عنوان تضمینی صرفاً جهت وصول جزای نقدی در صورت محکومیت شخص می‌باشد.^۱

قانون‌گذار در ماده ۲۳ نیز به موضوع ضبط وسایل نقلیه در خصوص کالاهای ممنوع پرداخته است. «در مواردی که کالای قاچاق مکشوفه مشمول شرایط بندهای (پ) و (ت) ماده (۲۲) گردد وسیله نقلیه مورد استفاده در قاچاق کالای مزبور، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، ضبط می‌شود:

الف - وسیله نقلیه مورد استفاده، متعلق به شخص مرتکب قاچاق باشد.

ب - با استناد به دلایل یا قرائن از جمله سابقه مرتکب و یا مالک وسیله نقلیه در امر قاچاق، ثابت شود که مالک وسیله نقلیه عامداً، آن را جهت استفاده برای حمل کالای قاچاق در اختیار مرتکب قرار داده است.

تبصره - در غیر موارد فوق، وسیله نقلیه به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جریمه نقدی مرتکب اضافه می‌شود.» عبارت «در غیر موارد فوق» که در تبصره به آن اشاره شده است ناظر به فرضی است که موضوع مشمول ماده ۲۳ نباشد. بنابراین در دو حالت موضوع مشمول ماده ۲۳ نمی‌باشد: ۱ - در صورتی که کالای قاچاق مکشوفه مشمول بندهای الف و ب ماده ۲۲ باشد. ۲ - در صورتی که وسیله نقلیه متعلق به غیر مرتکب حمل کالای قاچاق بوده ولی مالک عامداً آن را جهت بهره‌برداری در خصوص قاچاق کالا و ارز در اختیار او قرار نداده باشد. بنابراین در اتهام حمل کالاهای ممنوع برخلاف دیگر کالاهای، در صورتی که ارزش کالا تا یکصد میلیون ریال باشد، موضوع توقیف خودرو جهت تضمین پرداخت جزای نقدی وجود ندارد.

در ماده ۲۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص کالاهای ممنوع مجازات صادره محل نگهداری نیز پیش-بینی شده است.^۲ در تبصره ۵ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر شده است که «محل نگهداری کالاهای قاچاق ممنوع که در مالکیت مرتکب باشد، در صورتی که مشمول حکم مندرج در ماده (۲۴) این قانون نشود، توقیف و پلمب می‌شود و در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ صدور حکم قطعی، جریمه نقدی را

^۱ - از اینرو نمی‌توان در صورت تخلف متهم از حضور در نزد مرجع رسیدگی-کننده نسبت به ضبط آن اقدام نمود.

^۲ - ماده ۲۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «محل نگهداری کالای قاچاق ممنوع در صورتی که متعلق به مرتکب بوده و یا توسط مالک عامداً جهت نگهداری کالای قاچاق در اختیار دیگری قرار گرفته باشد و ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، صادره می‌گردد، مشروط به این‌که ارزش ملک از پنج برابر ارزش کالای قاچاق نگهداری شده بیشتر نباشد، که در این صورت ملک به مقدار نسبت پنج برابر قیمت کالای قاچاق نگهداری شده به قیمت اصل ملک، مورد مصادره قرار می‌گیرد و چنانچه ارزش کالا کمتر از مبلغ مذکور باشد و حداقل دوبرابر به این منظور استفاده شود و محکومیت قطعی یابد در مرتبه سوم ارتکاب، به کیفیت مذکور مصادره می‌گردد. در صورتی که مرتکب بدون اطلاع مالک از آن محل استفاده کند، از سه تا پنج برابر ارزش کالای قاچاق نگهداری شده به جزای نقدی وی افزوده می‌شود.»

نپردازد، حسب مورد از محل فروش آن برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌شود. در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع کند از محل نگهداری رفع توقیف می‌شود.» در صورتی که محل نگهداری کالای قاچاق متعلق به مرتکب بوده ولی مشمول حکم مصادره نمی‌شود، ملک توقیف شده و در صورت محکومیت مرتکب و عدم پرداخت جزای نقدی در مهلت دو ماهه از تاریخ صدور حکم اقدام به پرداخت جزای نقدی ننماید، مرجع اجرای حکم می‌تواند با فروش آن نسبت به اجرای حکم جزای نقدی اقدام نماید. در این مورد نیز مشابه تبصره ۱ ماده ۲۰ چنانچه متهم تضمینی معادل حداکثر جزای نقدی مقرر در قانون تودیع نماید، مرجع رسیدگی‌کننده می‌تواند از محل رفع توقیف نماید.

هر چند در ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری فروش اموال شناسایی شده محکوم‌علیه منوط به رعایت مستثنیات دین می‌باشد، لیکن در خصوص وصول جزای نقدی از محل فروش خودروی مورد استفاده در حمل کالای قاچاق (تبصره ۱ ماده ۲۰) و محل نگهداری کالای قاچاق (تبصره ۴ ماده ۲۲) و نیز بدل آنها (وثیقه ارائه شده توسط متهم) رعایت مستثنیات دین ضروری نیست و توجیه این استثناء را می‌توان در ارتباط این اموال با وقوع بزه جستجو نمود.

از تدابیر دیگر قانون‌گذار در جهت تسهیل اجرای حکم محکومیت‌های صادره به جزای نقدی، تکلیف به شناسایی اموال متهمان می‌باشد به موجب ماده ۴۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «در پرونده‌های قاچاق کالای ممنوع، سازمان یافته، حرفه‌ای و یا پرونده‌هایی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است، مرجع رسیدگی مکلف است نسبت به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی از طرق مقتضی، از جمله استعلام از ادارات ثبت اسناد و املاک، مخابرات، بانک‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام نماید. مراجع طرف استعلام نیز موظفند ظرف پنج روز پاسخ لازم را به مرجع رسیدگی اعلام کنند.»

۵- قرار تأمین کیفری

تأمین کیفری یکی از قرارهای تمهیدی است که برای تضمین حضور و دسترسی به متهم در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای حکم صادر می‌گردد (خالقی، ۱۳۸۸، ۱۸۹).

قرار تأمین در ماهیت خود، با تحدید حقوق و آزادی‌های متهم ملازمه دارد؛ از این رو، صدور قرار تأمین پیش از محکومیت قطعی، چالشی میان حقوق دفاعی متهم و آزادی شهروندان از یک سو، و پیشبرد اهداف نظام عدالت کیفری و تأمین فرایند رسیدگی سریع و کارآمد از سوی دیگر است. اصل تناسب تأمین، راهکاری میانه برای حل این چالش است. به این معنا که هرچند اهداف مورد نظر در رسیدگی کیفری- از جمله دسترسی به متهم برای به انجام رساندن تحقیقات به هنگام و جامع- اقتضا دارد که بخشی از آزادی‌های متهم تا حدی تحدید گردد، این

محدودیت نباید حقوق و امنیت قضایی شهروندان را با تهدید جدی مواجه سازد؛ بلکه باید محدود به حدود ضرورت و متناسب با آن صادر گردد (رجب، ۱۳۹۶، ۶۶).

در خصوص بزه قاچاق کالا و ارز، با توجه به رویکرد سختگیرانه قانونگذار، اختیارات مقام قضایی در انتخاب قرار تأمین کیفری متناسب محدود گردیده است.

به موجب تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در چهار مورد صدور قرار وثیقه الزامی می‌باشد.^۱ «در صورت بیم اختفای ادله»، «در صورت بیم فرار متهم»، «در صورت بیم تنائی» و همچنین «در صورت برخورداری کالا و ارز قاچاق از ارزش بالای یکصد میلیون ریال» چهار موردی هستند که در آنها صدور قرار تأمین وثیقه الزامی است. هر یک از چهار مورد بصورت مستقل از موارد دیگر می‌تواند توجیه‌گر صدور قرار تأمین وثیقه باشد و مرجع صادرکننده آن می‌بایست در متن قرار صادره علت و توجیه آن را بیان نماید.

تبصره ۲ ماده ۴۱ به معنای نفی شرایط مقرر برای صدور قرار تأمین در قانون آیین دادرسی کیفری نیست. بنابراین صرف تشکیل پرونده توسط کاشفان و ارسال آن برای مراجع رسیدگی‌کننده برای صدور قرار تأمین کفایت نمی‌کند و رعایت شرایط مقرر در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ضروری است. بر این اساس صدور قرار تأمین منوط به «تفهیم اتهام به متهم»، «انجام تحقیقات لازم» و «وجود دلایل کافی علیه متهم» می‌باشد و تا زمانی که شرایط صدور قرار تأمین فراهم نیست، نمی‌توان از نوع قرار تأمین صحبتی به میان آورد.^۲

در مواردی که موضوع مشمول موارد چهارگانه مذکور در تبصره ۲ ماده ۴۱ نمی‌شود، مرجع رسیدگی‌کننده در انتخاب نوع قرار تأمین مخیر بوده و می‌تواند یکی از قرارهای تأمین مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری را صادر نماید، البته اگر قرار وثیقه و یا قرار کفالت منتهی به بازداشت متهم شود رعایت مفاد ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن الزامی است. «... آنچه که از ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن استنباط می‌شود، آن است که بازداشت متهم به هر حال نمی‌تواند از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای اتهام و در غیر جرایم دارای مجازات سلب حیات به هر حال از یک سال تجاوز نماید؛ بدین ترتیب که اگر حداقل مجازات قانونی اتهام حبس کمتر از یک سال باشد، حداکثر مدت بازداشت همان حداقل مجازات حبس مقرر در قانون است و در

۱ - در صدر تبصره ۲ ماده ۴۱ هر چند قانونگذار از واژه «جرایم» به عنوان جمع جرم استفاده نموده است، لیکن استفاده از این واژه از باب تسامح بوده و حکم این تبصره شامل تخلفات قاچاق در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی نیز می‌شود و استثنای قاچاق موضوع ماده ۲۱ مقرر در صدر تبصره نیز مؤید این نظر می‌باشد.

۲ - ماده ۱۶ آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷/۸/۲۳ ریاست محترم قوه قضاییه مقرر می‌کند: "در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام به متهم و صدور قرار بازداشت موقت، قرار مذکور ظرف مدت ۵ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعبه دادگاه است. تبصره - همه قرارهای قابل اعتراض دادسرا در ارتباط با جرایم نیز به شرح مذکور قابل اعتراض و رسیدگی است."

مواردی که حداقل مجازات حبس مقرر در قانون یک سال و یا بیشتر بوده و یا این که مجازات اتهام غیر از حبس باشد، حداکثر مدت بازداشت نمی تواند بیش از یک سال باشد؛ بنابراین در پرونده های قاچاق کالا و ارز به هر حال بازداشت موقت متهم بیش از یک سال غیرقانونی است.^۱

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اشاره ای به موضوع صدور قرار نظارت قضایی نشده است و به استناد ماده ۵۱ این قانون مرجع رسیدگی کننده می تواند با رجوع به قانون آیین دادرسی کیفری قرار نظارت قضایی صادر نماید. به استناد ماده ۴۶ شعب تعزیرات حکومتی نیز دارای اختیار صدور قرار نظارت قضایی می باشند.

لازم به ذکر است که به موجب ماده ۶۰ «در صورتی که محکومان به جریمه های نقدی مقرر در این قانون ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی به پرداخت جریمه های مقرر اقدام ننمایند، جریمه نقدی از محل وثیقه های سپرده شده و یا فروش اموال شناسایی شده محکوم علیه اخذ و مابقی به مالک مسترد می شود...» بدیهی است در صورت پرداخت جریمه های نقدی و اجرای حکم از اموال توقیف شده رفع اثر می گردد.

نتیجه گیری

جهت رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز به عنوان مصداقی از جرایم اقتصادی، قانونگذار تدابیر افتراقی چون صلاحیت رسیدگی، عدول از اصل برائت، تسریع در رسیدگی و مقررات خاص در مورد قرارهای تأمین را پیش بینی نموده است. لیکن اتخاذ این تدابیر همسو با سیاست های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری نیستند. چراکه در بند ۷ سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری، به "یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی" تأکید شده است. به نظر می رسد تأکید سیاست های کلی نظام من جمله سیاست های کلی امنیت اقتصادی به رسیدگی تخصصی به جرایم اقتصادی، به معنای افتراقی شدن آیین دادرسی و تدابیر تأمینی آن نمی باشد. با توجه به مقررات قانون اساسی و تأکید آن به حفظ اموال مردم^۲ می توان گفت چنین تدابیر تأمینی در خصوص صرفاً بزه قاچاق کالا و ارز، بیانگر نوعی تشدد و تهافت در سیاست جنایی قانونگذار است. لذا پیشنهاد می گردد در صورت اتخاذ تدابیر افتراقی، به قدر ضرورت و لزوم (در راستای اسناد بالادستی) اکتفا شده؛ دایره آن محدود گردد و از توسیع بیش از حد آن که گاه باعث تعرض به آزادی های اساسی و اموال شهروندان است؛ ممانعت گردد.

^۱ - نظریه مشورتی شماره ۴۳۲۱/۲۱۰/۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۲ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی

^۲ - اصل چهارم و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است."

منابع

- ۱- تدین، عباس و باقری نژاد، زینب، تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۳، بهار، ۱۳۹۰، صص ۲۱۵ تا ۲۴۲.
- ۲- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۸.
- ۳- خزانی، منوچهر، سیستم قانونی بودن و سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲، فروردین، ۱۳۶۵، صص ۶۹ تا ۸۵.
- ۴- رجب، محمدعلی، اصل تناسب تامین و جایگاه آن در نظام دادرسی کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۸، تابستان، ۱۳۹۶، صص ۶۳ تا ۸۲.
- ۵- رحیمی نژاد، اسمعیل، نگاهی بر محدودیت‌ها، موانع و نواقص قانونی کنترل جرایم اقتصادی در ایران در جمعی از نویسندگان، دایره المعارف علوم جنایی، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
- ۶- شاملو، باقر، اصل براءت کیفری در نظام های نوین دادرسی، مجموعه علوم جنایی، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- ۷- شمس ناتری، محمدابراهیم، اصل براءت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری در: علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- ۸- صفاری، علی و اجتهادی، سیدعبدالمجید، سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت محور، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، شماره ۲ (پیاپی ۷۵)، ۱۳۹۶، صص ۱ تا ۲۵.
- ۹- مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، میزان، ۱۳۹۵.
- 10-Tiedeman, Klaus, phenomenology of economic crime, council of Europe, 1976.
- 11-Bacigaloupe, Enrique, the use of technical means in international and surveillance of private commiunication, towards a European criminal law against organized crime, Vincenzo milltello, Freiburg, 2001.
- 12-http://wiki.ahlolbait.com